

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Reports

گزارش ها

گزارشگران پورتال

۲۴.۰۶.۰۹

در افغانستان چه می گذرد؟ (۲۴)

حمله انتحاری در قندهار:

یک حمله انتحاری در قندهار صبح روز ۲۲ جون بر کاروان نیرو های اردوی پوشالی در ولسوالی ژیری سه سرباز این اردو را کشت و پنج نظامی با سه غیر نظامی را زخمی ساخت. طالبان مسئولیت این حمله را به عهده گرفتند. این در حالیست که در همین روز انفجاری در ذخیره گاه اسلحه دایاک در ننگرهار رخ داد که در اثر آن یک کودک کشته و نزده تن دیگر زخمی شدند. درین میان وزیر داخله درگیری در هفته گذشته را ۱۱۸ بار اعلان کرد و گفت که نسبت به هفته قبلش ۶ درصد این درگیری ها کاهش یافته است. وی تعداد تلفات نیرو های طالبان را ۱۱۸ نفر، دستگیری مخالفان شانرا ۸۶ نفر و زخمی ها را ۶۰ نفر اعلان کرد. تلفات نیرو های دولت ۴۰ سرباز و ۳۰ افسر را کشته و ۴۱ نفر را مجروح اعلان نمود و به این ترتیب نشان داد که جنگ سختی در کشور درگیر میباشد. شام یکشنبه، ۲۱ جون بر میدان هوایی بگرام یکی از پایگاه های بزرگ استعماری از سوی طالبان یک راکت پرتاب شد که دو سرباز امریکائی را کشته و شش تن دیگر را زخمی ساخت. همچنان به تاریخ ۲۱ جون در اثر درگیری که میان طالبان و نیرو های اشغالگر امریکا در دره پیچ ولایت کنر رخ داد، ۱۹ تن از افراد ملکی کشته و زخمی شدند.

طالبان به تاریخ ۱۹ جون دو تن از محصلان فاکولته طب قندهار را از نزدیک لیلیه آن ربوده و بعد سر یکی را از تن جدا کردند و دومی را با خود بردند، محصلی که سرش از گوش تا گوش بریده شده بود اهل کابل و از یک خانواده بسیار فقیری بود که بعدا جسدش را به کابل منتقل کردند. در ضمن طالبان به تاریخ ۲۰ جون در ولایت پکتیکا یک ولسوال را ضمن حمله به خانه اش دستگیر و او و فرزند بزرگش را در برابر چشمان خانواده اش به گلوله بستند و بعد سه پسرش را که سه ساله، پنج ساله و هفت ساله بودند با ریختن تیل بر هر سه شان، به آتش کشیدند، مادر این اطفال که ناظر صحنه بود، این را دید که چگونه هر سه فرزندش در برابر دیدگانش زغال شدند. طالبان درین ولسوالی هولوکاستی را به راه انداخته اند که میتواند درس خوبی برای آنانی باشد که میگویند با نیروی فاشیستی و جاهل قرون وسطائی در برابر نیرو های خارجی باید جبهه ساخت و از حرکت آنان درین مورد حمایت کرد. این بحثیست که لابد ضرورت به نوشته ای خاصی دارد، اما علی العجالة این عمل طالبان میتواند برچنین افکار به شدت ارتجاعی خط بطلان بکشد. چه از آغاز پیدایش این گروه تاریخزده و عقبگرا، مردم دربند ما شدیدترین شکنجه ها را از طرف آنها تحمل نموده اکنون نیز در یک رقابت افسار گسیخته با نیرو های اشغالگر، به قلع و قمع مردم ما اشتغال دارند.

وضعیت ایران و تشویش مهاجران:

گزارش هائی که از وضعیت داخلی ایران میرسد، بسیاری از افغانها به این باورند که شاید موج اعتراضات شهر های دیگر ایران غیر از تهران را نیز بگیرد و به این خاطر افغانها از چنین چیزی تشویش دارند، زیرا در چنین حالاتی مقامات امنیتی رژیم آخندی ایران فشار بر مهاجران را افزایش داده و آنها را اجازه گشت و گذار و کار نمیدهند و حتی گاه در چنین حالاتی آنان را مسبب چنین رویداد هائی قلمداد کرده به دستگیری شان آغاز میکنند. مهاجرانی که همین اکنون در تهران زندگی میکنند از چند روز به این سو حق برآمدن از خانه های شان را نداشته، برخی از آنان که دست و دهان بودند، یعنی کار میکردند و مصرف میکردند درین روز ها کاری برایشان پیدا نشده و با مشکل فراوانی رو به رو هستند. این درحالیست که درگیری پانزده روز قبل که در آن بیش از ۶۰ تن از افراد زاهدانی به جرم حمایت از نیرو های بلوچ ضد دولت در زاهدان دستگیر شده بودند، ۳۰ تن از افغانها نیز با آنان دستگیر و اتهام مبارزه مسلحانه بر ضد دولت ایران بر آنها وارد گردید و به این خاطر تا حال راه زاهدان بر افغانها بسته میباشد و کسی ازین مسیر که یکی از مهمترین مسیرهای رفت و آمد افغانها به داخل افغانستان میباشد، رفت و آمد نمی تواند از این بابت افغانها تشویش دارند که اگر وضعیت امنیتی شهر های دیگر خراب شود، افغانها از کدام مسیر به افغانستان برگردند.

اعتصاب در یکاولنگ :

از چند روز به اینسو معلمان مکتب های یکاولنگ دست به اعتصاب زده اند. برای این معلمان مدت هفت ماه میشود که معاش داده نشده و بر این اساس حدود بیست هزار متعلم درین ولسوالی اکنون مکتب نمیروند و مردم ازین بابت سخت ناراضی هستند. اینکه دولت پوشالی چرا معاش اینان را نمیدهد، دلیل قانع کننده ای را ارائه نکرده است ولی ماهیت رژیم های پوشالی به خوبی نشان می دهد که این نوع دولت ها فقط در قصه جیب خود و فساد می باشند نه در غم معلمان و کارگران و سایر توده های زحمتکش. معلمان یکاولنگ قبلا هم ازین بابت اعتصاب داشته اند. والی بامیان با بی منطقی خاصی این مسأله را بیان کرده و گفت که پول فزیزی به بامیان نرسیده و این را به عنوان اساسی ترین مشکل مطرح نمود. اینکه ۲۰ هزار شاگرد در حال حاضر نمیتواند در یکی از بی توجه ترین مناطق کشور به خاطر بی توجهی و فساد حاکم بر وزارت معارف که ممکن نیست تعصبی در آن وجود نداشته باشد از درس محروم میباشند، نه برای والی ونه هم برای مقامات بالاتر اداره مستعمراتی کمترین اهمیتی ندارد.

